

بررسی جواز و ضرورت فهم قرآن

چکیده

از بررسی آیات و روایات چنین به دست می‌آید که فهم و تفسیر قرآن برای غیر رسول خدا (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) امکان‌پذیر است، ولی در میان قدما و متأخرین، عده‌ای راه افراط پیموده و فهم قرآن را جز از ناحیه‌ی معصوم غیرممکن می‌دانند و در حقیقت عقل را در حیطة‌ی تفسیر و تبیین قرآن تعطیل می‌دانند. این مقاله بر آن است تا با ادله‌ی نقلی و عقلی، جواز و ضرورت فهم قرآن را ارائه کند.

کلید واژه‌ها: فهم قرآن، زبان قرآن، تدبر در قرآن.

مقدمه

در حقیقت عقل را در حیطة‌ی تفسیر و تبیین قرآن تعطیل می‌دانند. برای اثبات جواز بلکه ضرورت فهم قرآن، از سوی صاحب نظران و اندیشمندان دلایلی مطرح شده‌اند که ما به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. دعوت به تدبر در قرآن

الف) آیات

آیاتی از خود قرآن کریم که به تدبر توصیه می‌کنند یا مردم را در ترک تدبر مورد سرزنش قرار می‌دهند، نشان می‌دهد قرآن قابل فهم و تدبر و تذکر است؛ از جمله‌ی این آیات:

● «کتاب أنزلناه إليك مبارك ليدتبرا وآياته وليتذكروا أولوا الألباب» [ص / ۲۹]: [این] کتابی مبارک است که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیاتش تدبر کنند و صاحبان خرد متذکر حقایق آن شوند.^۱

● «أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها» [محمد / ۲۴]: آیا در آیات قرآن نمی‌اندیشند؟ یا [مگر] بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟

● «أفلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» [نساء / ۸۲]: آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ و اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن بسیار اختلاف می‌یافتند.

● «أنا أنزلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون» [یوسف / ۲]:

ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که ببینید.

● «ولقد يسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر» [قمر / ۱۷]، ۲۲ و ۴۰]: و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم.

قرآن کتابی است که ظاهر آن ساده و برای عموم مردمی که با زبان عربی آشنایی دارند، قابل فهم و درک است و آن چه که مانند گفت‌وگوهای معمولی و عرفی از ظاهر قرآن فهمیده می‌شود، معمولاً هدف و منظور پروردگار است و قابل عمل و اعتماد می‌باشد و در موقع احتجاج و استدلال و به دست آوردن احکام الهی و وظایف اخلاقی و امثال آن می‌توان، مستقلاً به همان معنایی که از ظاهر آیات قرآن استفاده می‌شود، تکیه کرد و آن را مورد عمل و یا دلیل و مبنا قرار داد.

شکی در این نیست که پیامبر اسلام (ص) برای محاوره و گفت‌وگوهای معمولی خویش و برای فهماندن مقصودش، یک روش مخصوص به خود را در پیش نگرفته بود، بلکه او هم مانند افراد دیگر جامعه و همانند قوم خود، با همان روش معمول و متعارف که عموم مردم در محاوره‌ها و گفت‌وگوهای روزمره‌ی خویش داشتند، سخن می‌گفت. در این حقیقت نیز شکی نیست که پیامبر اسلام قرآن را بدین منظور آورده است که مردم معانی آن را بفهمند و در آیاتش تدبر کنند، دستوراتش را به کار ببندند و از آن چه نهی کرده است، خودداری کنند. در خود قرآن مجید هم به این حقیقت عقلی و عرفی مکرر اشاره شده است که در این مقاله تفصیل آن خواهد آمد.

جواز (بلکه ضرورت) فهم قرآن

در میان قدما و متأخرین، عده‌ای راه افراط پیموده و تفسیر و فهم قرآن را جز از ناحیه‌ی معصوم، غیرممکن و

پس آیا پندگیرنده ای هست؟

ضمن این که قرآن اساساً بشر را به تعقل و تفکر می خواند و از پیروی کورکورانه و انجام عمل از روی جهالت نهی می کند. [اسراء / ۳۶؛ مائده / ۱۰۴]

ب) روایات

روایات متعدد و معتبر که دلالت بر امکان جواز و حتی وجوب تفسیر قرآن دارند؛ از جمله:

۱. حدیث ثقلین: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّٰه و عترتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلّوا بعدی ابدًا و انّهما یفترا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیهما»^۲: من دو چیز گران بها در میان شما به جای می گذارم: کتاب خدا و خاندانم. دو چیز که اگر (مادامی که) به آن ها دست یازید، هرگز پس از من گمراه نخواهید شد.

که متواتر قطعی است و به صراحت بر حجیت و فهم پذیری زبان قرآن برای همه ی اقشار دلالت می کند.

۲. روایات عرضه ی اخبار بر قرآن: این روایات متعدد است که ما نمونه هایی از آن ها را نقل می کنیم:

● «عن ابی عبد اللّٰه (ع) عن ابيه عن جدّه علی (ع) انّ علی کلّ حقّ حقیقه و علی کلّ صواب نوراً فما وافق کتاب اللّٰه فخذوه و ما خالف کتاب اللّٰه فدعوه»^۳: امام صادق (ع) نقل فرموده از پدرش [و پدر نیز به سلسله از پدران] از جدش علی (ع) همانا بر هر حقی حقیقتی است و بر درستی نوری. پس هر آن چه سازگار با کتاب الله بود، پس بدان تمسک کنید و هر آن چه ناسازگار با کتاب خدا بود، دور افکنید.

«امام صادق (ع): خطب النبی (ص) بمنی فقال: ایها الناس ما جائکم عنی یوافق کتاب اللّٰه فأنّا قلته و ما جائکم عنی لا یوافق القرآن فلم اقله»^۴: امام صادق (ع) نقل کرده: خطابه فرمود پیامبر (ص) در منا و گفت: ای مردم، هر آن چه از من به شما رسد که با کتاب خدا سازگار افتد، پس من آن را گفته ام و هر آن چه رسد که ناسازگار با کتاب خدا باشد، من آن را نگفته ام.

«امام صادق (ع): اذا ورد علیکم حدیثان مختلفان فأعرضوهما علی کتاب اللّٰه فما وافق کتاب اللّٰه فخذوه و

ما خالف کتاب اللّٰه فردوه...»^۵: «امام صادق (ع) فرمود: هرگاه بر دو حدیث مختلف رسیدید، آن دو را بر کتاب خدا (قرآن) عرضه کنید. پس هر آن چه با کتاب خدا سازگار باشد، پس بپذیرید آن را و هر چه ناسازگاری کند با کتاب خدا، پس رد کنید.

امام علی (ع) در روایتی فرمود: «و اردد الی اللّٰه و سوله ما یضلعک من الخطوب و یشتبه علیک من الامور سند قال اللّٰه سبحانه لقوم احب ارشادهم «یا ایها الذین امنوا اطیعوا اللّٰه و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم فان تنازعتُم فی شیء فردّوه الی اللّٰه و الرّسول» فالردّ الی اللّٰه الاخذ بمحکم کتابه»^۶: کارهای مشکلی که تو را درمانده می کند و اموری را که بر تو مشتبه می شود، به خدا و رسول او بازگردان، که خدای متعالی به قومی که ارشاد آنان را دوست داشته، فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده ی خدا و اولوالامری که از خود شماست، پیروی کنید و اگر در چیزی نزاع کردید، آن را به خدا و رسول بازگردانید.» بازگرداندن به خدا در نظر گرفتن آیات محکم کتاب اوست.

هم چنین آن حضرت فرمود: «فانظر ایها السائل فما دلک القرآن علیه من صفته فأتّم به و استصنی بنور هدیته»^۷: ای پرسش کننده [از وصف خدا]، [به قرآن] بنگر و از اوصاف خدا، آن چه که قرآن تو را به آن راهنمایی کرده، پیروی کن و از نور هدایتش پرتو بگیر.

از پیامبر گرامی اسلام روایت شده است که فرمود: «... فاذا التیست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن فانه... هو الدلیل یدل علی خیر سبیل و هو کتاب فیہ تفصیل و بیان...»^۸: هرگاه فتنه ها مانند پاره های شب تاریک بر شما مشتبه شدند، به قرآن روی آورید، زیرا... قرآن راهنمایی است که به بهترین راه هدایت می کند و کتابی است که در آن تبیین و توضیح حقایق است.

این روایات و روایات دیگری^۹ از این قبیل نیز به روشنی دلالت بر آن دارند که راه استفاده از قرآن کریم، بدون تعلیم و تبیین معصومین (ع)، به کلی به روی بشر بسته نیست.

۳. روایاتی که نشان می دهد ائمه (ع) به آیات قرآن

در استدلالات خویش تمسک کرده اند. این روایات نیز بسیارند که ما برای نمونه، سه مورد را نقل می کنیم:

● «قلت لابی عبدالله (ع): عثرت فانقطع ظفري فجعلت علی اصبعی مرارة فكيف اصنع بالوضوء؟»

قال: يعرف هذا و اشباهه من كتاب الله عزوجل: «ما جعل عليكم في الدين من حرج» أمسح عليه^{۱۱}: راوی می گوید: به امام صادق (ع) گفتم: لغزیدم و در اثر آن ناخنم قطع شد. (برای معالجه) مرهمی بر آن نهادم. وضو را چگونه انجام دهم؟ فرمود: این مسئله و نظایر آن، از کتاب خدای عزوجل (که فرموده است) «ما جعل عليكم في الدين من حرج» شناخته می شود. بر آن مرهم مسح کن.

از جمله ی «يعرف هذا و اشباهه من كتاب الله عزوجل» ما جعل عليكم في الدين من حرج در می یابیم که حکم این مسئله و امثال آن را غیر امام نیز می تواند از کتاب خدا به دست آورد، و گرنه مناسب آن بود که بفرماید: «اعرف هذا و اشباهه من كتاب الله. حکم این موضوع و امثال آن را من از کتاب خدا می شناسم و می فهمم.»

امام رضا (ع) فرمود: «من رد متشابه القرآن إلى محكمه فقد هدى الى صراط مستقيم...»^{۱۲}: هرکس که متشابه قرآن را به محکم آن برگرداند، به راه مستقیم هدایت شده است.

در این روایت، برگردان آیات متشابه به آیات محکم که نوعی تفسیر است، راه مستقیم معرفی شده است و اگر در تفسیر بودن آن تردید شود، دلالت آن بر جواز استفاده و بهره گیری همگان از آیات محکم قرآن برای فهم متشابهات آن، قابل انکار و تردید نیست؛ زیرا در ادامه ی همین روایت، امام رضا (ع) می فرماید: در روایات ما نیز محکمت و متشابهاتی همانند محکمت و متشابهات قرآن وجود دارد. پس متشابهات روایات ما را به محکمت آن ها برگردانید و [قبل از ارجاع به محکمت] از متشابهات استفاده نکنید که گمراه می شوید.

از حضرت علی (ع) روایت شده است که فرمود: «... ان الله قسم كلامه ثلاثة اقسام فجعل قسما منه يعرفه العالم و الجاهل و قسما لا يعرفه الا من صفا ذهنه و لطف حسه و صح تمییزه ممن شرح الله صدره للاسلام و قسما لا يعلمه الا الله و ملائکته و الراسخون في العلم»^{۱۳}: همانا

خداوند کلامش را سه بخش کرده است: بخشی از آن به گونه ای است که عالم و جاهل آن را می شناسد و می فهمد. و بخشی از آن را جز کسی که ذهنش با صفا، حسش لطیف و تشخیصش صحیح است - از کسانی که خدا سینه شان را برای اسلام گشوده است - نمی فهمد و بخش دیگر به گونه ای است که جز خدا و فرشتگان و راسخان در علم آن را نمی دانند.

در این روایت نیز دو بخش از قرآن «قابل فهم برای مردم» معرفی شده است.

۲. کتاب هدایت بودن قرآن

قرآن کریم خود را کتاب هدایت [بقره / ۱۸۵ و اعراف / ۲۳] و فرقان [پیشین] می نامد و با عباراتی مانند شفاء [یونس / ۵۷] آن چه در سینه هاست، تبیان هر چیز، [النحل / ۸۹] برهانی از جانب پروردگار [یونس / ۵۷]، بصائر [انعام / ۱۰۴ و اعراف / ۲۰۳]، نور [نساء / ۱۷۴]، موعظه [یونس / ۵۷]، بلاغ [ابراهیم / ۵۲] و مانند آن، خود را معرفی می کند.

انتظار ما از چنین کتابی چیست؟ و قرآن برای چه نازل شده است؟ قرآن که خود را مأمور هدایت انسان ها می خواند، مسلماً برای انسان سازی و بیرون کردن انسان ها از تاریکی ها به سوی نور، آمده است [ابراهیم / ۱].

چنین کتابی باید بتواند با مخاطبان خود ارتباط برقرار کند، [ابراهیم / ۴] پیام خود را به آن ها بفهماند و آن ها را به سوی صراط مستقیم دعوت کند [اسراء / ۹].

به عبارت دیگر، رسالت قرآن ایجاب می کند که قرآن قابل فهم باشد و کتاب زندگی بشر باشد، نه در حاشیه و کناره ی زندگی او [فرقان / ۳۰].

پس اگر قرآن قابل فهم نباشد و نتوان به تفسیر آن دست یافت، نقض غرض می شود و هدف رسالت، ابرتر می ماند. چون در آن صورت، مخاطب حقیقی قرار گرفته اند که آن را نمی فهمند و نمی توانند از آن بهره گیرند^{۱۴}. خصوصاً وقتی این مطلب را در نظر بگیریم که قرآن تنها مخاطبان عصر نزول را مدنظر نداشته و کتاب جاوید^{۱۵} زنده و کتاب هدایت همگان است^{۱۶}.

گرچه قرآن کتاب «منزل» است و نزول رتبه یافته تا

تواند در سطح درک و فهم بشری قرار گیرد.^{۱۷}

و حقایق عالی‌ی آن قابل فهم و دریافت انسان‌ها در طول تاریخ شود، اما همه جای قرآن کریم واضح و بی نیاز از تفسیر نیست.

پس قرآن کریم نه آن قدر ساده و آسان است که بی نیاز از شرح و تفسیر باشد و نه آن قدر پیچیده و دست‌نیافتنی است که امکان تفسیر آن نباشد یا به عبارت صحیح‌تر قرآن هم ساده است و هم متعالی و به هر حال نیازمند تبیین و تفسیر.

۳. تحدی قرآن

علاوه بر آن چه گذشت، مفاد آیات تحدی^{۱۸} و اصولاً تحدی به قرآن، مستلزم قابل فهم و تفسیر بودن قرآن برای غیرمعصومین بلکه غیرمسلمانان است.

در این که پیامبر اسلام (ص) قرآن را به عنوان معجزه و رسالت خویش مطرح کرده و از همگان خواسته است همانند یک سوره از آن را بیاورند، هیچ تردیدی نیست و مورد اتفاق مسلمانان و حتی دانشمندان اسلام‌شناس غیرمسلمان است. با در نظر گرفتن نکته‌ی یاد شده، اگر قرآن کریم برای غیرمعصومین قابل فهم نباشد، چگونه می‌توان از مردم خواست همانند چیزی را که نمی‌فهمند بیاورند و یا در مورد همسانی یا ناهمسانی نوشته‌ها و گفته‌های دیگر با گفتار قرآن، به داوری بپردازند؟ در این صورت، تلاش برای آوردن همانند آیاتی که فهمیده نمی‌شود. کاری ناممکن و بیهوده و درخواست آن از دیگران، کاری غیرعقلایی است و این سؤال مطرح است که از مردم خواسته شده تا چه مطلب و موضوعی را در قالبی همانند قالب‌های قرآنی فراهم آورند؟ باید توجه داشت که مخاطبان اولیه‌ی تحدی قرآن، کافرانی هستند که آمادگی شنیدن تفسیر آیات از پیامبر را ندارند و در صورتی که پیامبر آیات را به گونه‌ای تفسیر کند که برخلاف فهم آنان از الفاظ و عبارات قرآن باشد، آن را نمی‌پذیرند و نیز در آیات تحدی و روایات آن، هیچ اشاره‌ای به این که پس از فراگیری تفسیر آیات از پیامبر (ص)، همانند آن را بیاورند، وجود ندارد. بنابراین، مقصود آن است که با تأمل و تدبیر در قرآن و فهم محتوای آن، به حقانیت و از سوی خدا بودن آن پی ببرند و یا با فهم و تلاش برای همانندآوری و ناتوانی در این خصوص، از سوی خدا بودن و فوق‌توان بشر بودن

آن را دریابند. در این میان، تحدی مطرح شده در آیه‌ی شریفه‌ی «افلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» [نساء / ۸۲] از ویژگی خاصی برخوردار است و قابل فهم و تفسیر بودن را بهتر آشکار می‌سازد؛ زیرا مفاد این آیه‌ی شریفه آن است که با تأمل و تدبیر در آیات شریفه و آن، نه تنها مفاد آیات فهمیده می‌شود، بلکه سازگاری و هماهنگی ارائه شده در آن با یکدیگر نیز روشن می‌شود و با توجه به خصوصیات قرآن و ویژگی‌های انسان، آشکار می‌شود که پدیدآوردن چنین کتابی با این درجه از هماهنگی، از سوی خدا و بیرون از توان بشر است.^{۱۹}

دلیل عقلی فهم پذیری قرآن

علاوه بر دلایل نقلی که تاکنون ذکر شد، عقل نیز بر فهم‌پذیری قرآن اذعان دارد. برای درک مفاهیم و موضوعاتی که در قرآن آمده است، حداقل باید سه امر لحاظ شود:

اول. مقام الهی به عنوان نازل‌کننده‌ی آیات؛

دوم. متن قرآن به عنوان موضوع خطاب؛

سوم. انسان که طرف خطاب قرار گرفته است.

طبعاً با توجه به این که قرآن به زبان عربی نازل شده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^{۲۰} برای درک آن باید به زبان عربی آشنایی کافی داشت. بنابراین این نکته مطرح است که آیا هر فردی می‌تواند به اعتبار این که به زبانی آشناست، مطلب گوینده را درک کند؟ به تعبیر دیگر، آیا نیازی به سختی بین درجه‌ی فهم شنونده و علم گوینده، برای فهم مفاهیمی که القا می‌شود، وجود دارد یا خیر؟ حقیقت این است که خداوند متعال به عنوان خالق انسان: «لقد خلقنا الإنسان في أحسن تقويم»^{۲۱} به توانایی وی و درجه‌ی فهم او اشراف دارد و از سوی دیگر در آیات قرآن به صراحت انسان مورد خطاب «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبِّكَ الْكَرِيمِ»^{۲۲} و نیز تکلیف «و لا تكلف نفسك إلا وسعها»^{۲۳} قرار گرفته است. به علاوه باری تعالی به اقتضای علم و قدرت مطلق، در مقام راهنمایی بشر قرآن را نازل فرموده است... «و نزلنا عليك الكتاب تبييناً لكل شيء و هدى و رحمة و بشرى للمسلمين»^{۲۴}.

بنابراین به اقتضای این که متن قرآن به یکی از زبان‌هایی است که بشر تکلم و تفاهم به آن را می‌داند و نیز می‌تواند آن را بیاموزد و نیز براساس حکمت و قدرت

مطلقه‌ی الهی و طرف خطاب بودن انسان به عنوان مکلف به انجام احکام قرآنی و اشراف الهی به درجه‌ی فهم‌پذیری وحی و نیز قبح «عقاب بلا بیان»، باید ملتزم شد که احکام قرآن فهم‌پذیر باشد؛ هر چند از مبدأ حکمت و علم الهی منشأ گرفته باشد که بشریت را به درک و فهم و دست‌رسی به علم مطلق راهی نیست و بهره‌وری اندک است... «و ما اوتیتم من العلم الا قليلاً» [اسراء / ۸۵]: ... و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.

به همین مناسبت است که قرآن نازل، منزله‌ی کتاب مبین است تا برای بشریت فهم آن میسر شود. «ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر» [قمر / ۱۷]: و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟ استاد رشاد در بیان عقلی فهم‌پذیری کلیت قرآن برای انسان چنین استدلال کرده‌اند: «در خطاب و حیانی، آمر و پیام‌دهنده حق تعالی است که حکیم، رحیم، عادل و لطیف است. مخاطب انسان بالغ و عاقل است که موجودی مختار است و چون مختار و عاقل و بالغ و دارای اراده است، طرف خطاب و تکلیف قرار گرفته است، پیام هم متن مصحفی است ابدی که بناست این متن همه‌ی بشریت را در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها هدایت کند.

اگر آمر و مخاطب دین، حکیم است، مأمور و مخاطب دین نیز مکلف است و اگر متن دین جهانی و جاودانی است، پس این دین باید فهم‌پذیر باشد. اگر پیام مهمل و مجمل باشد، آیا نقض غرض نیست؟ اگر متن دینی قابل فهم نباشد، «لغویت» لازم می‌آید و کار بیهوده قبیح است و ساحت خدای حکیم از لغو و بیهوده به دور است.^{۲۵}

زیرنویس

- از جمله اخباریون که به دلایلی از جمله وجود تشابهات در قرآن و احتیاج قرآن بر معانی عمیق و متعالی که جز معصومین کسی از عهده‌ی درک آن‌ها برنمی‌آید، تثبیت می‌کنند و عقل بشر را از راه‌یابی به قرآن ناتوان می‌دانند.
- شاید خود این آیه اشاره به دو دسته بودن سطح فهم مخاطبین داشته باشد.
- صحیح مسلم، ج ۷: ۱۲۳-۱۲۲؛ مستدرک احمد، ج ۳: ۱۴؛ جامع ترمذی، ج ۵: ۶۶۲؛ مستدرک حاکم، ج ۳: ۱۱۰-۱۰۹؛ سنن الدارمی، ج ۲: ۸۸۹. البته حدیث ثقلین (با حدیث تمسک به عبارات متفاوت و طرق فراوان و مختلف اما هم‌خوان نقل شده است. این حدیث

دارای ۸۵ طریق نقل شیعی و ۳۵ نقل سنی، در افزون بر ۲۵۵ کتاب معتبر شیعی و در بسیاری از صحاح، سنن مسانید و تفاسیر اهل سنت متن آن درج شده است.

۴. صدوق، الامالی، ص ۳۶۷؛ بحارالانوار، ج ۲: ۲۲۷.
۵. تفسیر عیاشی، ج ۱: ۸؛ بحارالانوار، ج ۵۰: ۸۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸: ۷۹، با اندکی تفاوت.
۶. وسائل الشیعه، ج ۱۸: ۸۴.
۷. نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۰۰۸، نامه‌ی ۴۳ (عهدنامه‌ی مالک اشتر)، قسمت ۳۹.
۸. نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۲۳۴، خطبه‌ی ۹۰.
۹. اصول کافی، ۲/ ۵۷۳.

۱۰. برخی دیگر از این روایت، از این قرار است: «یا ایها الناس انه من استنصح الیه وفق و من اتخذ قوله دلیلاً هدی» [نهج البلاغه، فیض الاسلام: ۴۵۰، خطبه‌ی ۱۴۷]. «و تعلموا القرآن فانه احسن الحدیث و تفقهوا فیه فانه ربیع القلوب» [همان، ص ۳۳۹، خطبه‌ی ۱۰۹]. «و کتاب الله بین اظهرکم ناطق لا یبغی لسانه» [همان، ص ۴۱۲، خطبه‌ی ۱۳۳]. «و علیکم بکتاب الله فانه الحبل المتین و النور المبین...» [همان، ص ۴۹۰، خطبه‌ی ۱۵۵]. «و اعلموا ان هذا القرآن هو الناصح الذی لا یغش و الیهادی الذی لا یضل و المحدث الذی لا یکذب و ما جالس هذا القرآن احد الا قام عنه بزیاده او نقصان زیاده فی هدی او نقصان من عمی... و استندلوه علی ربکم و استنصحوه علی انفسکم و اتهموا علیه اراکم... و ان الله سبحانه لم یعظ احداً بمثل هذا القرآن فانه حبل الله المتین و سببه الامین و فیه ربیع القلوب و ینایع العلم و ما للقلب جلاء غیره...» [همان، ص ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۳، خطبه‌ی ۱۷۵]. «میراث رسول الله (ص) من علم کتاب ما لم یجعل الله لهم و لیتقوا هم الاضطرار الی الایثار لمن و لاه امرهم فاستکبروا عن طاعته تعزوا و افتراء علی الله عزوجل و اغتراباً بکثرة من ظاهرهم و عاونهم و عاندالله عزوجل و رسوله» [عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۳: ۳۱۳].

۱۱. کلینی، الفروع من الکافی، ج ۳: ۳۳.
۱۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸: ۸۲، ج ۲۲: عیون اخبار الرضا، ج ۱: ۲.

ح ۳۹.

۱۳. وسائل الشیعه، ج ۱۸: ۱۴۳ ح ۱۴۴؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱: ۳۷۶.

۱۴. رشاد، «منظن فهم دین»، قیسات، ش ۱۸: ۳۹.

۱۵. آیاتی از قرآن که مردم را به تحدی می‌خواند: الاسراء / ۸۸، البقره / ۲۳، یونس / ۳۸ و...

۱۶. الاعراف / ۱۵۸-۱۵۶؛ سبأ / ۲۸؛ الصف / ۹-۸.

۱۷. الزخرف / ۳؛ الدخان / ۳؛ الواقعة / ۸۰؛ القدر / ۱.

۱۸. البقره / ۲۳؛ الاسراء / ۸۸؛ هود / ۱۳؛ یونس / ۳۸؛ الطور / ۳۴.

۱۹. برای توضیح بیشتر ر. ک: مصباح یزدی. معارف قرآن، قرآن شمس...

ج ۱: ۱۵۴ به بعد؛ صحیفه‌ی مبین، ش ۲۱: ۸۵.

۲۰. یوسف / ۲ «ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که ببندیشید.»

۲۱. التین / ۴ «[که] به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم.»

۲۲. الانقطار / ۶ «ای انسان، چه چیز تو را در باره‌ی پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته؟»

۲۳. المؤمنون / ۶۲ «و هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم.»

۲۴. النحل / ۸۹ «و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم.»

۲۵. جزوه‌ی درسی تفسیر قرآن، رشاد. دانشکده‌ی الهیات دانشگاه آزاد؛ قیسات، ش ۱۸: ۳۸ و ۴۰.

